

ایران در آئینه آمار

تهیه و تنظیم از مریم اسکویی

رشد اعتیاد و بیکاری در جمهوری اسلامی!

اخبار رسیده از ایران، حاکی از آنند که در سایه حاکمیت اسلامی سرمایه، اعتیاد، بیکاری، و سایر ناهنجاری‌های اجتماعی، بطور روزافزونی در حال رشد هستند. در این میان، جوانان کشور که درعین حال، اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهن بیش از همه در معرض این آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. بیهوده نیست که این روزها، جوانان کشور، پیشاپیش همه اقشار و گروه‌های اجتماعی، به مبارزه و اعتراض علیه نظام اسلامی برخاسته‌اند. اینها جوانانی هستند که پس از سالها تلاش و تحصیل، آنگاه که خود را در برابر آینده‌ای که جمهوری اسلامی برای آنها رقم زده می‌بینند، تنها چاره را قیام علیه کلیت این نظام می‌یابند. دکتر خسرونیا دبیر جامعه پزشکی، با ارائه آماری که در ردونامه انتخاب مورخ ششم آبان به چاپ رسیده، می‌گوید «که حدود شش میلیون معتاد در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد». وی ادامه می‌دهد که «بیشتر این معتادین در سنین پائین هستند». این درحالی‌ست که آمار، تعداد معتادین در آستانه انقلاب بهمن را در حدود دویست هزار نفر، اعلام می‌کند. به عبارت دیگر، در طول دو دهه گذشته، رژیم جمهوری اسلامی موفق شده که با سیاست‌ها خود، اعتیاد را به یک درد همگانی تبدیل کند. نکته تأسف‌بارتر اینکه، به گفته دکتر خسرونیا، جوانانی که به اعتیاد دچار می‌شوند، از کوچکترین امکانات درمانی برای رهایی از این بلای خانماسوز ندارند، چراکه بودجه‌ای که سازمان بهزیستی برای ترک اعتیاد جوانان تعیین کرده، «تنها توانایی درمان حدود دو درصد از معتادان در سال را دارد».

معتادان کشور درعین حال، علاوه بر این درد بی‌درمان، هر لحظه در معرض ابتلا به سایر بیماری‌های مرگ‌آور و علاج‌ناپذیر همچون ایدز می‌باشند. روزنامه حیات نو در تاریخ ۶ آبان، به نقل از رئیس اداره مبارزه با ایدز می‌نویسد که «۶۴ درصد از مبتلایان به این بیماری، از طریق اعتیاد تزریقی، با آن دچار شده‌اند» و باید تأکید کرد که بیشترین قربانیان ایدز نیز، باز همان جوانان کشور هستند. به گفته رئیس اداره مبارزه با ایدز، بیش از «۸۰ درصد از مبتلایان به ایدز، در رده سنی ۱۹ تا ۴۹ سال قرار دارند».

و اما متأسفانه باید اضافه کرد که درکنار بلایایی که در بالا ذکر شد، بیماری‌های روحی و روانی نیز به شکل وسیعی در میان جوانان کشور، شایع می‌باشد. مشکلی که خود بازتاب‌دهنده وضعیت نابسامانی‌ست که سیاست‌های جمهوری اسلامی برای جوانان کشور، ایجاد کرده‌است. تأسف‌انگیز اینکه، وضعیت یادشده تنها به شهرها محدود نمی‌شود بلکه حتی روستائیان ایران نیز از انواع بیماری‌های روحی رنج می‌برند. حیات نو مورخ ۷ آبان، به نقل از دکتر جمال اعتمادی، مسئول بهداشت روانی دانشگاه علوم پزشکی، در این رابطه می‌نویسد که تنها «در هفت ماه گذشته، انواع بیماری‌های روانی در روستاهای استان مرکزی، نسبت به مدت مشابه، ۳۰ درصد افزایش یافته است». وی سپس با ارائه آمار نگران‌کننده‌ای از تعداد مبتلایان به بیماری‌هایی نظیر عقب‌مادگی ذهنی، صرع و بیماری‌های شدید روانی، بر روی شیوع گسترده افسردگی در میان گروه بزرگی از جوانان، اشاره می‌کند. به گفته وی، مبتلایان به افسردگی، در سنین بین ۲۰ تا ۴۰ سال می‌باشند. یادآور می‌شویم که به گفته متخصصان امور اجتماعی و پزشکان روانکاو، خودکشی‌های وسیع در میان جوانان و بویژه دختران جوان، رابطه مستقیمی با افسردگی روحی شدید این افراد دارد.

در رابطه با دلایل و زمینه‌های شیوع افسردگی و یا تمایل جوانان به استفاده از موارد مخدر، شاید کافی باشد که به سخنان دکتر غلامعلی فرجادی، رئیس مؤسسه عالی پژوهش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اشاره کنیم. فرجادی در سخنان خود که در روزنامه آفتاب‌یزد مورخ ۶ آبان به چاپ رسیده، اعتراف می‌کند که نرخ بیکاری تحصیل‌کرده‌ها در کشور، در سال ۷۵، پنج درصد بوده که در سال ۷۹ به ۹ درصد و چنانچه رشد اقتصادی کشور طبق برنامه سوم توسعه، به پیش برود، به ۱۴ درصد خواهد رسید! و صدا البته تجربه تانکونی از اقتصاد اسلامی، حکایت از آن دارد که گردانندگان رژیم، هرگز در پیشبرد حتی برنامه‌های خودشان نیز، موفق نبوده‌اند. به عنوان نمونه، روزنامه حیات نو در تاریخ ۷ آبان، به نقل از وزیر کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی می‌نویسد که «در بهترین شرایط، دولت می‌تواند تنها ۷۰ هزار شغل ایجاد کند، و بدین ترتیب دو میلیون و سیصد هزار نفر، جویای کار، همچنان بیکار باقی خواهند ماند.»